

سازماندهی آغازگر در متون داستانی و غیرداستانی قرآن کریم

دکتر محمدتقی طیب* - ابوالفضل مصفا جهرمی**

چکیده

در سالهای اخیر مطالعه روی زبانهای مختلف در چهارچوب دیدگاههای هالیدی در دستور نقش گرای نظام مند گسترش چشمگیری داشته است. بخش قابل توجهی از این مطالعات در مورد چگونگی سازماندهی آغازگر در زبانهای مختلف بوده است. مقاله حاضر گزارش بخشی از پژوهشی است که درباره متن قرآن مجید انجام گرفته است. در این مطالعه چگونگی سازماندهی آغازگر در جمله‌های مختلف و از جنبه‌های مختلف نظریه هالیدی در آیات داستانی و غیرداستانی بررسی گردیده است. نتیجه مطالعه آماری و مقابله آنکه در برخی موارد (که در مقاله بیان گردیده) تفاوت بین متون داستانی و غیرداستانی از نظر آماری معنی دار بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در بخش فرانش اندیشگانی، نحوه ساختار کلامی متون داستانی و غیرداستانی قرآن متفاوت است. از دیگر نتایج این مطالعه لزوم برخی اصلاحات و تجدیدنظرها در نظریه‌های هالیدی به منظور پاسخ گویی آن به زبانی چون عربی است که برخلاف انگلیسی دارای ترتیب بی‌نشان VSO می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

آغازگر، بیانگر، دستور نقش گرا، فرانش اندیشگانی، فرانش متنی، فرانش میان فردی، بند وابسته، بند مستقل، نشاندار، بی‌نشان.

* دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی جهرم

مقدمه

تحقیقات زبانی براساس نظریه سیستمی کارکردی، امروزه مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان قرار گرفته است. هالیدی (1970:10:12) از جمله زبان‌شناسانی است که نقش بسزایی در گسترش و توصیف این نظریه داشته است. مفهوم آغازگر (theme) و چگونگی گسترش آن در متون مختلف همواره مورد توجه زیادی بوده است. چون که آغازگری / بیانگری به‌عنوان فرانقش متنی (textual metafunction) نقش مهمی در به‌وجود آمدن متن با توجه به گفتمان و ساخت اطلاعاتی جمله بازی می‌کند (1970:13).

این نظریه زبان را در بافت (context) و با توجه به مسائل اجتماعی - فرهنگی بررسی می‌کند. دستور سیستمی کارکردی می‌پرسد که زبان چگونه برای استفاده و کاربرد ساختاربندی می‌شود؟ و چگونه این ساختها برای انتقال معانی به‌کار می‌رود (p.2:5).

هالیدی (1970:11) می‌گوید زبان طوری ساخت‌بندی می‌شود که بتواند سه معنا را با هم القا کند. این سه معنا عبارت‌اند از: فرانقش اندیشگانی، (ideational metafunction) فرانقش میان‌فردی (interpersonal metafunction) و فرانقش متنی.

زبان به‌کار برده می‌شود تا به اهداف مشخصی برسد. دو نوع گفتمان در این راستا با هم کار می‌کنند و ساخت و صورتهای زبانی را هدایت می‌کنند، یکی گفتمان فرهنگی (genre) که کلی و انتزاعی است و دیگر گفتمان موقعیت (register) (p.49:5).

گستره گفتمان تداعی‌کننده معنای تجربی (experiential) است، شیوه گفتمان تداعی‌کننده معنای متن است که در آغازگر تحقق پیدا می‌کند و منش گفتمان تداعی‌کننده معنای میان‌فردی (interpersonal) است که در حالت (mood) تحقق پیدا می‌کند (p.78:5).

در نظریه نقش‌گرا فرانقش متنی دو فرانقش دیگر یعنی فرانقش اندیشگانی و فرانقش میان‌فردی را به‌عنوان پیام (information) ساخت‌بندی می‌کند. فرانقش اندیشگانی و میان‌فردی خارج از زبان وجود دارند، یعنی به پدیده‌هایی مثل ابعاد فیزیکی، زیستی و جامعه‌شناختی اشاره می‌کنند. فرانقش اندیشگانی تجربیات و فرانقش میان‌فردی روابط اجتماعی را ساخت‌بندی می‌کند (p.20:16).

این سه فرانش در سازه آغازین کلام (آغازگر) نمود داشته و هرگونه تغییر در موقعیت کلام منجر به تغییر ساخت و نوع آغازگر می‌شود. ساخت و نوع آغازگر با عوامل فرا زبانی و دیدگاه ایدئولوژیک گوینده کلام در ارتباط بوده و توجیه بسیاری از گوناگونی‌های متن را باید در آنجا جست.

مفهوم آغازگر ابتدا در مکتب پراگ مورد توجه قرار گرفت. بیشتر متخصصان این مکتب تعریف متسیوس از آغازگر را به‌عنوان نقطه شروع پذیرفته‌اند. متسیوس آغازگر را چیزی می‌داند که شناخته شده باشد و از آنجا گوینده کلام را ادامه می‌دهد. در تعریف متسیوس دو مفهوم وجود دارد، یکی اطلاعاتی که شناخته شده و دیگری اطلاعاتی که گوینده از آنجا کلام را ادامه می‌دهد (6).

دستوربان سیستمی این دو مفهوم را جدا می‌کنند و اصطلاح اطلاع قدیم را برای اشاره به اطلاعاتی که شناخته شده به‌کار می‌برند و اصطلاح آغازگر را برای اشاره به نقطه‌ای که کلام از آنجا آغاز می‌شود (10: p.38).

آغازگر در زبان عربی

آغازگر کلام به‌عنوان نقطه شروع پیام از اهمیت ویژه‌ای در انعکاس عوامل منظور شناختی از جانب گوینده کلام برخوردار است و هدایت‌کننده سایر اجزای کلام (بیانگر) می‌باشد. هرگونه انتخاب یا عدم انتخاب از میان انتخابهای ممکن اتفاقی نبوده و در ارتباط مستقیم با گفتمان و عوامل اجتماعی - فرهنگی قرار می‌گیرد.

هالیدی (9) اثر خود را مقدمه‌ای بر دستور کارکردی می‌داند که از زبان انگلیسی به‌عنوان نمونه استفاده شده است، بنابراین مقولاتی که هالیدی در خصوص آغازگر معرفی می‌کند در مورد زبانهایی که با انگلیسی شباهت داشته باشند صادق است. تفاوت زبان عربی با انگلیسی ما را با محدودیتهایی روبه‌رو می‌سازد که منجر به تغییر برخی مقولات معرفی شده از طرف هالیدی می‌شود.

زبانهایی مثل انگلیسی دارای نظم واژگانی ثابت SVO و زبان ژاپنی دارای نظم واژگانی SOV است (17: p.34). در حالی که گرینبرگ زبان عربی را از لحاظ رده‌شناسی در زمره زبانهایی می‌داند که نظم واژگانی اصلی آن VSO است.^(۱) (8: p.61). دستوربان سنتی عربی می‌گویند که جملات عربی باید با فعل شروع شود و جملاتی که با فعل شروع می‌شوند ساخت نحوی عادی در عربی دارند. هاوکینز

(14: p.156) نیز می‌گوید زبانهایی که ساخت نحوی آنها با فعل شروع می‌شود بیش از ۱۰٪ زبانهای دنیا را شامل نمی‌شوند و زبان عربی جزو زبانهایی است که با فعل شروع می‌شود.

برخی از انواع آغازگرهایی که هالیدی معرفی می‌کند بستگی به نشان‌داری و بی‌نشانی آنها دارد. نشان‌داری مفهومی است که میزان احتمال وقوع عنصر دستوری در زبان را به‌طور کلی می‌سنجد. بند (clause) را نشان‌دار (marked) می‌نامیم وقتی که ساخت عادی و رایج نداشته باشد. وقتی که بند دارای ساخت عادی و رایج باشد آن را بی‌نشان (unmarked) گوئیم (3: p.82). بنابراین برای تعریف انواع آغازگر لازم است مفهوم نشان‌داری و بی‌نشانی را با توجه به ساخت خود زبان عربی تعریف نمود.

هالیدی (44-43: p.9) آغازگر بی‌نشان را در جملات خبری آغازگری می‌داند که به فاعل ختم شود و آغازگر نشان‌دار را آغازگری که به غیر فاعل ختم شود. ولی در عربی آغازگر بی‌نشان آغازگری است که به فعل ختم شود و آغازگر نشان‌دار آغازگری است که به غیر فعل ختم شود.

در جملات پرسشی حالت بی‌نشان آن است که کلمه پرسش در ابتدا بیاید^(۲) مگر اینکه دلیلی خاص وجود داشته باشد که کلمه پرسش ابتدا نیاید که در این صورت با حالت نشان‌دار مواجه می‌شویم. در این تحقیق حالت نشان‌دار جملات پرسشی یافت نشد.

یک گروه از جمله‌های پرسشی، پرسش‌های «بله یا خیر» می‌باشد. در این جمله‌ها، به اصطلاح منطقی، پرسش از خود حمل یا کیفیت حمل (اسناد) یا اقرار حمل نیست، بلکه پرسش در مورد صحت حمل است و پاسخ آن «بله» یا «خیر» می‌باشد. در این‌گونه جمله‌ها حتی در صورتی که دارای ادات پرسش (مانند «آیا» در فارسی و «هل» در عربی) باشند، آغازگر اولین عنصر بعد از علامت پرسش را نیز شامل می‌شود.

در جملات امری فعل ابتدا آمده و آغازگر واقع می‌شود. بنابراین حالت بی‌نشان آن است که فعل آغازگر واقع شود. در این حالت آغازگر مثل جملات خبری در حالت بی‌نشان است که فعل آغازگر واقع می‌شود. در این تحقیق برای زبان عربی فقط یک ساخت در نظر گرفته می‌شود که سایر ساختمانها از آن مشتق می‌شود. طبق دیدگاه توصیفی مکتب کوفه^(۳) برای NP که قبل یا بعد از فعل می‌آید فقط یک نقش فاعل^(۴) در نظر گرفته می‌شود (19: p.384).

تعریف اصطلاحات

با توجه به ملاحظاتی که در مورد ساخت آغازگر در عربی در بخش قبل ذکر شد تعاریف آغازگر در عربی چنین خواهد بود:

- آغازگر متن (textual theme): آغازگری که شامل عناصر پیونده متنی همچون و *الآء*، *ف*... باشد؛ مثل «ف» در *فخرج... (الشعراء، ۷۹)*.

- آغازگر میان فردی (interpersonal theme): آغازگری که شامل عناصر میان فردی باشد. عناصر ندایی مثل (vocative) «یا آدم»؛ ادات وجه نما (modal adjunct) مثل *ان* و ادات (finite) در جملات سؤالی مثل *هل اتیک حدیث ضیف ابراهیم المکرمین (ذاریات، ۲۴)* جزو این نوع آغازگر هستند.

- آغازگر اندیشگانی نشان دار (marked ideational theme): آغازگری که به فعل در جملات خبری ختم نشود، مثل *و اخوانهم... (الاعراف، ۲۰۲)*.

- آغازگر بی نشان (unmarked theme): آغازگری که به فعل ختم شود. مثل *و نزع... (الشعراء، ۳۳)*.

- آغازگر نشان دار (marked theme): آغازگری که به غیر فعل ختم شود. مثل *و انکم... (الشعراء، ۴۲)*

- آغازگر ساده (Simple theme): آغازگری که به دنبال آن آغازگر دیگری نیاید، معمولاً آغازگر اندیشگانی تنها، مثل *یرید... (الشعراء، ۳۵)*.

- آغازگر مرکب (multiple theme): آغازگری که از دو یا چند آغازگر تشکیل شده باشد. آغازگر اندیشگانی که قبل از آن آغازگر میان فردی یا متنی بیاید. مثل *فاخاف... (الشعراء، ۱۴)*.

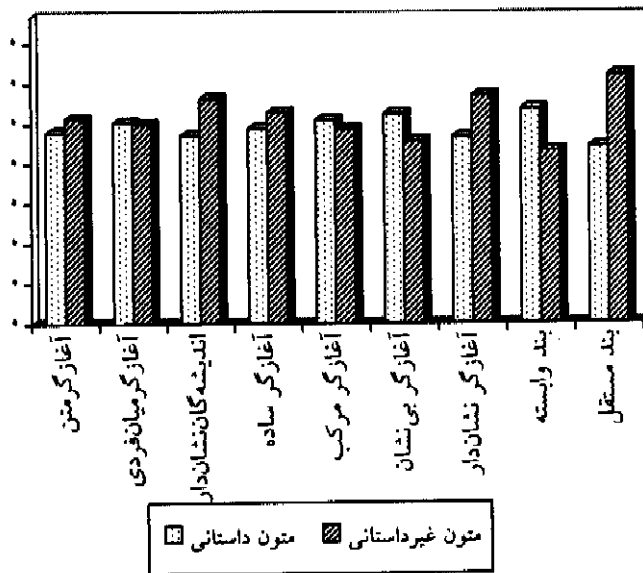
انتخاب و تحلیل داده‌ها

در قرآن کریم در قسمتهای مختلف داستانهای مختلف ذکر شده است که هر کدام از آنها به عنوان یک گفتمان در نظر گرفته شده است. مجموعاً تعداد ۷۰۰ آیه داستانی از قرآن در این بررسی احصاء شده و بقیه آیات غیرداستانی می باشد. نمونه آیه داستانی «و قیل للناس هل انتم مجتمعون» (شعراء، ۳۹) و نمونه آیه غیرداستانی: «واتوا لیتمی اموالهم» (نساء، ۲) می باشد. از این مجموع تعداد ۲۰۰ آیه از گفتمانهای گوناگون داستانی و ۱۰۰ آیه از گفتمان غیرداستانی به طور تصادفی انتخاب و با استفاده از آزمون مان ویتنی U تحلیل شده اند.^(۵) نتایج به دست آمده از این تحلیل مطابق جدول زیر است:

	آغازگر متن	آغازگر میان‌فردی	آغازگر اندیشگانی نشان‌دار	آغازگر ساده	آغازگر مرکب	آغازگر بی‌نشان	آغازگر نشان‌دار	بند وابسته	بند مستقل
متون داستانی	۱۴۳/۴۲	۱۵۱/۰۲	۱۴۱/۳۳	۱۴۶/۳۷	۱۵۲/۹۰	۱۵۷/۳۸	۱۴۰/۱۵	۱۶۱/۱۳	۱۳۲/۵۷
متون غیرداستانی	۱۵۴/۰۴	۱۴۹/۵۴	۱۶۹/۰۴	۱۵۸/۷۶	۱۴۵/۷۰	۱۳۶/۳۳	۱۷۱/۲۱	۱۲۹/۲۵	۱۸۶/۳۷

نتایج تحقیق در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد نشان می‌دهد که پراکندگی آغازگر متن در متون داستانی و غیرداستانی در موارد زیر معنی‌دار است:
 بند وابسته، بند مستقل^(۶)، آغازگر نشان‌دار، آغازگر بی‌نشان و آغازگر اندیشگانی

غیررایج.



نمودار پراکندگی آغازگر در متون داستانی و غیرداستانی

نتایج تحقیق

نتایج تحقیق در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد نشان می‌دهد که: پراکندگی آغازگر متن در متون غیرداستانی دارای میانگین (۱۵۴/۰۴) بیشتر از میانگین متون داستانی (۱۴۳/۴۳) است، ولی اختلاف میان آنها چندان زیاد نیست که تمایز معناداری داشته باشند.

پراکندگی آغازگر میان‌فردی در متون داستانی دارای میانگین (۱۵۱/۰۲) بیشتر از میانگین متون غیرداستانی (۱۴۹/۵۴) است ولی تمایز معناداری میان آنها وجود ندارد.

پراکندگی آغازگر اندیشگانی غیررایج در متون غیرداستانی دارای میانگین (۱۶۹/۰۴) بیشتر از میانگین متون داستانی (۱۴۱/۲۳) است که تمایز معنادار میان آنها وجود دارد.

پراکندگی آغازگر ساده در متون غیرداستانی دارای میانگین (۱۵۸/۷۶) بیشتر از میانگین متون داستانی (۱۴۶/۳۷) است و تمایز معناداری میان آنها وجود ندارد.

پراکندگی آغازگر مرکب در متون داستانی دارای میانگین (۱۵۲/۹۰) بیشتر از میانگین متون غیرداستانی (۱۴۵/۷۰) است و تمایز معناداری میان آنها نیست.

پراکندگی آغازگر بی‌نشان در متون داستانی دارای میانگین (۱۵۲/۳۸) بیشتر از میانگین متون غیرداستانی (۱۳۶/۷۳) است که تمایز معنادار میان آنها وجود دارد.

پراکندگی آغازگر نشان‌دار در متون غیرداستانی دارای میانگین (۱۷۱/۲۱) بیشتر از میانگین متون داستانی (۱۴۰/۱۵) است که تمایز معنادار میان آنها وجود دارد.

پراکندگی بند وابسته در متون داستانی دارای میانگین (۱۶۱/۱۳) بیشتر از میانگین متون غیرداستانی (۱۲۹/۲۵) است که تمایز معنادار میان آنها وجود دارد.

پراکندگی بند مستقل در متون غیرداستانی (۱۸۶/۳۷) بیشتر از میانگین متون داستانی (۱۳۲/۵۷) است که تمایز معنادار میان آنها وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نظم واژگانی اصلی در عربی VSO است (۱) این نظم واژگانی ممکن است به دلایل منظور شناختی به هم بخورد و عنصری به‌غیر از V به‌عنوان آغازگر انتخاب شود، مثلاً مفعول آغازگر شود که در این صورت باید دلیلی داشته باشد. الجرجانی (۱) می‌گوید که آغازگری مفعول در عربی هم به دلایل ادبی و فصاحت است هم برای تأکید.

آغازگر اندیشگانی غیر رایج که در آن عنصری به‌غیر از V ابتدای کلام واقع می‌شود نشان‌دهنده دیدگاه ایدئولوژیک گوینده کلام است. یعنی گوینده کلام در حالی که می‌تواند یک جمله را به‌صورت رایج بیان کند، یعنی ساخت VSO را در عربی به کاربرد، آن را به منظورهای خاص تغییر داده و عنصری به‌غیر از V را ابتدای کلام قرار می‌دهد. مثلاً در آیه جهنم یصلونها... (ص، ۵۶) وقوع جهنم در ابتدای کلام نشان‌دهنده تأکید شدید گوینده بر حقیقت جهنم است. بنابراین ساختارهای کلام نیز در قرآن کریم با عوامل منظورشناختی پیوند خورده است. تفاوت معنادار میان میانگین آغازگر اندیشگانی

غیر رایج در متون داستانی و غیر داستانی نشان‌دهنده این است که دیدگاهها و منظورهایی متفاوتی ناظر متن است. مثلاً در داستان یونس که هدف آن تشریح وقایع یونس است، حرف از جهنم و آخرت نیست و احتمال وقوع این کلمات به‌عنوان آغازگر ضعیف است، برعکس احتمال آغازگر واقع شدن پیامبر قوم زیاد است. شاهد این مدعا آغازگری اسم یونس در یکی از آیات است که می‌فرماید: و ان یونس لمن المرسلین (الصافات، ۱۳۹) همین‌طور جایی که حرف از اهل کفر و طغیان است احتمال آغازگر واقع شدن کلمه‌ای مثل جهنم زیاد است (مثال آیه ۵۶، سوره ص) گوینده کلام با برجسته‌سازی این کلمات به دنبال اهداف خاص خود است.

در متون داستانی شخصیتها مهم هستند، بنابراین احتمال مورد خطاب قرار گرفتن آنها در موضوع آغازین کلام به‌دلیل نقش برجسته آنها در وقایع داستانی و نتایجی که می‌توان از آن گرفت زیاد است. این است که آغازگرهایی که در آن شخصیت‌های داستانی مورد خطاب قرار می‌گیرند در متون داستانی فراوان یافت می‌شوند، مثلاً یا آدم اسکن... (البقره، ۳۵) و یا بنی لا تشرک (لقمان، ۱۳) و یا مریم اقد جنت... (مریم، ۲۷). بنابراین آغازگر میان فردی در متون داستانی بیشتر یافت شده است. ولی آغازگرهایی که به روابط میان‌فردی در متون غیرداستانی می‌پردازند نیز یافت می‌شوند. مثلاً یا اهل‌الکتب لم تکفرون... (آل عمران، ۱۷۰).

عدم تمایز معنادار به علت توجه گوینده کلام به این موضوع در هر دو نوع متن است. هنگامی که آغازگر عناصر میان‌فردی باشد تلفیق آن با عناصر تجربی که به دنبال می‌آید دیدگاه شخصی گوینده کلام را نسبت به عناصر تجربی معین می‌کند و در واقع نوعی ارزیابی گوینده کلام نسبت به این عناصر است (۱۶). امکان دارد موضوعی از دیدگاه شخص دیگری گفته شود ولی وقوع عناصر میان‌فردی در آغازگر باعث می‌شود که گوینده کلام نحوه دید و ارزیابی خود را نسبت به موضوع مشخص کند. این است که آغازگری عبارتی مثل ان الله... فراوان یافت می‌شود که خود تأکید مکرر بر گوینده کلام است. یا در آیه... و ان للطغین... کلمه ان مبین این است که گوینده کلام با تأکید و اطمینان می‌خواهد پرده از حقیقتی در مورد طاغین بردارد و نظر و دیدگاه خود را در مورد آنها مشخص کند و در ادامه می‌گوید: لشر ماب (ص، ۵۵).

اهمیت عناصر متنی کمتر از عناصر تجربی و میان‌فردی نیست بلکه نقش جداگانه‌ای دارند و نقش آن ساختاربندی این دو به‌عنوان پیام است. عناصر متنی باعث می‌شوند که عناصری که به‌عنوان تجربی انتخاب شده‌اند به‌طور سیستمی با هم در ارتباط

قرار گیرند و پیام بتواند میان گوینده و شنونده رد و بدل شود (16: p.21) عناصر متنی «ف»؛ «ر»؛ «ثم» از بسامد بالایی در متون داستانی و غیرداستانی برخوردار هستند. نقش این عناصر این است که اجازه می‌دهند متن گسترش یابد، بدون آنها امکان گسترش متن نیست و پیام میان گوینده و شنونده رد و بدل نمی‌شود، بنابراین وجود آنها در متون داستانی و غیرداستانی لازم است و تمایز معناداری هم میان آنها نیست.

سادگی یا پیچیدگی متن بستگی به محتوای عناصر تجربی آغازگر و حوزه‌های معنایی (semantic field) که آغازگر به آن اشاره می‌کند، دارد (7: p.8). هرچه محتوای عناصر تجربی متن غنی‌تر باشد حوزه‌های معنایی بیشتری برای ارتباط قسمتهای مختلف متن وجود خواهد داشت و در نتیجه نیاز به عناصر متنی کمتر خواهد شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میانگین پراکندگی آغازگر متن در متون داستانی کمتر است، در نتیجه انتظار می‌رود آغازگرهایی که محتوای تجربی غنی‌تر دارند در متون داستانی بیشتر یافت شوند، مثلاً رب‌المشرق و المغرب و ما بینهما (شعرا، ۲۸)؛ و الی ثمود اخاهم صالحا (هود، ۶۱) که در مقایسه با برخی آغازگرهای متون غیر داستانی محتوای تجربی بیشتری دارند، مثلاً هذا... (ص، ۵۵)؛ و اخر... (ص، ۵۸)؛ و نادوا... (الزخرف، ۷۷).

آغازگر ساده آغازگری است که ساختمان درونی ندارد یعنی فقط از عنصر اندیشگانی تشکیل شده باشد، مثلاً در بند تجری یا عیننا... (القمر، ۱۴) کلمه تجری آغازگر ساده است. ترکیب آغازگر ساده با عناصر متن یا میان‌فردی منجر به تولید آغازگر مرکب می‌شود. مثلاً و قالو... (الحجر، ۶) یا انا... (الحجر، ۹). در این صورت افزوده شدن عناصر متن معنای دستوری (grammatical meaning) و عناصر میان‌فردی معنی اجتماعی را به آغازگر می‌افزاید. وقتی محتوای متنی بیشتر باشد ارتباط‌های معنایی نیز بیشتر می‌شود. با افزایش ارتباطها و حوزه‌های معنایی انتظار می‌رود نیاز به عناصر متنی کمتر باشد. اگر میانگین بیشتر آغازگر مرکب در متون داستانی معلول وجود بیشتر عناصر میان‌فردی باشد نه عناصر متن انتظار می‌رود میانگین عناصر متن یعنی آغازگر متن در متون داستانی کمتر از متون غیرداستانی باشد. میانگین آغازگر میان‌فردی که شامل عناصر میان‌فردی است در متون داستانی بیشتر است و نتایج نیز نشان می‌دهد که آغازگر متن در متون داستانی میانگین کمتری دارد. یعنی آغازگری نمونه‌هایی مثل ... انک لمجنون (الحجر، ۶) بیشتر است.

میان محتوای تجربی آغازگرهای متن و ساختمانها و عناصر گوناگون ارتباط وجود دارد. همین‌طور که متن گسترش می‌یابد و عنصر و ساخت دیگری جایگزین

عنصر و ساخت قبلی می‌شود متن نیز تغییر می‌کند، بنابراین معانی نیز تغییر یافته و زبان بیان عوض می‌شود (p.11: 7). نیاز به آغازگر بی‌نشان (که در جملات خبری ساخت VSO دارد) یا نشان‌دار (که عنصری به غیر از فعل را در جملات خبری آغازگر می‌کند) بستگی به هدف متن و منظوره‌های خاص گوینده کلام دارد. آغازگر نشان‌دار با قرار دادن عنصری به غیر از فعل در ابتدای کلام با دیدگاه ایدئولوژیک گوینده پیام در ارتباط است، مثلاً در بند و اخوانهم یمدونهم فی‌الغی... (الاعراف، ۲۲) ساخت رایج با آغازگری «و اخوانهم» به هم خورده و با تأکید بر آن گوینده پیام در صدد رساندن منظوره‌های خاص است و در بند بعد می‌فرماید: ثم لا یقتصرون (الاعراف، ۲۰۲) که عنصر متنی «ثم» امکان نتیجه‌گیری و ارتباط دو بند را فراهم نموده و چون هدف متن عوض می‌شود ساخت هم عوض شده، تمایز معنادار میان آغازگر نشان‌دار و بی‌نشان در متون داستانی و غیرداستانی نشان‌دهنده این است که ساختمانهای نحوی نیز با دیدگاه ایدئولوژیک گوینده پیام در ارتباط بوده و بسته به هدف و منظوره‌های خاص ساخت نیز عوض می‌شود همان‌طور که از آیه‌ای که مثال آورده شده مشخص است.

بند وابسته مثل فانت عنه تلهی (عبس، ۱۰) و بند مستقل مثل... و قالو مجنون و ازدجر (القمر، ۹) می‌باشد. میانگین پایین بند وابسته در متون غیرداستانی و میانگین پایین بند مستقل در متون داستانی می‌تواند از ویژگیهای منحصر به فرد این دو نوع متن باشد. برای آنکه دو نوع متن را دو گونه به حساب آوریم لازم است در زمینه‌هایی چند از نظر معنایی، نحوی ... تمایزاتی داشته باشند. با توجه به معناداری برخی زمینه‌ها مثل آغازگر اندیشگانی و آغازگر نشان‌دار و بی‌نشان، تمایز معنادار بند وابسته و بند مستقل در متون داستانی و غیرداستانی می‌تواند گویای این باشد که این دو نوع متن متعلق به دو نوع گونه هستند. هالیدی (9) دستور خود را در تعبیر متن، نظام و عناصر زبانی نقش‌گرایانه می‌داند، یعنی زبان را در کاربرد آن مورد بررسی قرار می‌دهد (XXIII: 9) همچنین عناصر زبانی با توجه به نقش آن در کل نظام زبان توصیف می‌شوند (XIV: 9). زبان نظامی معنایی است (XVII: 9) و هر زبانی نظام معنایی و کدگذاری خاص خود را داراست. همچنین انتظار می‌رود زبانهایی که شباهت فرهنگی دارند نحوه کدگذاری عناصر زبانی شبیه هم داشته باشند (XXX: 9). بنابراین نحوه نمود ساختمانی نحوی هر زبان منحصر به خود آن زبان بوده و نمی‌توان مقولات یک زبان را به زبان دیگر تحمل کرد. هالیدی نیز به این موضوع

واقف بوده و می‌گوید که دستورش کارکردی است که از زبان انگلیسی به‌عنوان نمونه استفاده شده است و شاید مقولات آن در توصیف زبانهای دیگر معتبر نباشد (XXXIII: 9).

تأملین (17) زبان انگلیسی را دارای نظم وازگانی ثابت SVO می‌داند گریبنرگ (8) نظم وازگانی اصلی عربی را VSO می‌داند. یعنی در حالی که انگلیسی لزوماً فاعل را در جملات خبری در ابتدا قرار می‌دهد، مثلاً *Reza eats an apple everyday* زبان عربی فعل را در ابتدای کلام قرار می‌دهد، مثلاً در *و اوحینا الی موسی... (الشعرا، ۵۲)*. از آنجا که نشان‌داری مفهومی است که احتمال وقوع عنصری دستوری در زبان را می‌سنجد، این مفهوم در انگلیسی نسبت به وقوع فاعل و در عربی نسبت به وقوع فعل سنجیده می‌شود. لذا تعریف آغازگر بی‌نشان در انگلیسی آغازگری است که به فاعل ختم شود (9) و در عربی آغازگری که به فعل ختم شود. به همین ترتیب آغازگر نشان‌دار در انگلیسی آغازگری است که عنصری به غیر از فاعل ابتدای کلام واقع شود *Everyday Reza eats an apple* و در عربی آغازگر نشان‌دار آن است که عنصری به غیر از فعل ابتدای کلام واقع شود مثلاً *و اخوانهم یمدونهم فی القی (اعراف، ۲۰۲)*.

لازم به تذکر است که نشان‌داری و بی‌نشانی در بندهای خبری و پرسشی نیز با توجه به ساخت خود آنها تعیین می‌شود. حالت رایج در بندهای امری در انگلیسی آن است که فعل ابتدا قرار گیرد مثلاً *answer me* و در عربی هم در بندهای امری فعل ابتدای کلام واقع شود، مثلاً *و اذکر عبدنا ایوب... (ص، ۴۱)*.

در بندهای پرسشی هم حالت بی‌نشان این است که کلمه پرسش ابتدا بیاید و حالت نشان‌داری آن است که کلمه پرسش ابتدای کلام نیاید. در این تحقیق حالت نشان‌دار بندهای پرسشی یافت نشد.

آغازگر اندیشگانی بی‌نشان نیز در انگلیسی به فاعل در عربی به فعل ختم می‌شود و این گویای این است که آغازگر اندیشگانی بی‌نشان در انگلیسی دارای محتوا است در حالی که در عربی فرایند است. شاید بتوان گفت که با توجه به آغازگر اندیشگانی بی‌نشان می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت نحوه دید انگلیسی‌ها نسبت به جهان با عربها در این است که زبان انگلیسی ابتدا اشیا و... و غیره را مطرح نموده و بعد به نوع رابطه میان آنها می‌پردازد و عربی برعکس ابتدا نوع رابطه را و بعد اشیا و... را بیان می‌کند.

آغازگر اندیشگانی نشان‌دار در انگلیسی به غیر فاعل مثلاً *At night they looked at the moon* ختم می‌شود و در عربی به غیر فعل مثلاً *... بل انتم لا مرحبا بکم... (ص، ۶۰)* ختم می‌شود.

خلاصه نتایج

برخی از مقولاتی که هالیدی در مورد آغازگر بیان می‌دارد به دلیل تفاوت ساخت زبان عربی با انگلیسی قابل انطباق با زبان عربی نبوده و نیازمند برخی تغییرات می‌باشد. هالیدی (9) خود نسبت به این موضوع آگاه بوده و می‌گوید که اشتباه است کسی فکر کند مقولاتی که در این دستور به کار رفته می‌تواند همهٔ زبانها را توصیف کند. البته این به معنی این نیست که ویژگی جهانی در زبان وجود ندارد، بلکه چنین ویژگیهایی باید بسیار انتزاعی باشند؛ مثلاً سه فرانتش زبانی که همهٔ زبانها این سه فرانتش را دارا هستند. ولی ویژگیهای آغازگر در دو زبان ممکن است یکسان نباشد و اگر هم ویژگیهای یکسانی داشته باشند ممکن است به یک صورت نمود (realize) پیدا نکنند. ممکن است نظام آغازگری داشته باشیم که مبتنی بر نشان‌داری و بی‌نشان و حالت نباشد یا اینکه مبتنی بر نشان‌داری و بی‌نشانی و حالت باشد ولی به صورت نظم واژگانی (order) ظاهر نشود (XXXIV, XXXIII: 9). به هر حال در بندهای خبری انگلیسی فاعل و عربی فعل را در مکان آغازین بند قرار می‌دهد. نظام آغازگر عربی و انگلیسی مبتنی بر بسامد وقوع (نشان‌داری و بی‌نشانی) و حالت است و فقط نمود عنصر دستوری در آغازگر با هم متفاوت است.

همچنان که در بخش تحلیل ارائه گردید، حاصل مقایسه آماری ساختار آغازگر در آیات داستانی با آیات غیرداستانی قرآن آنکه در برخی جنبه‌ها تفاوت معنی‌دار (از نظر آماری) دیده نشد، ولی از موارد زیر که تفاوت در حد معنی‌دار بوده نتایج زیر حاصل می‌گردد:

۱- آغازگر نشان‌دار در آیات غیرداستانی بالنسبه بیش از آیات داستانی است. دلیل این امر نیز ماهیت روایی متون داستانی است برخلاف آیات غیرداستانی که عموماً یا اخباری و یا انشایی هستند.

۲- بندهای وابسته در متون داستانی بیش از متون غیرداستانی است و این خود ناشی از این مسأله است که در بین اجزای یک متن روایی ارتباط و همبستگی بیش از متون غیرروایی است.

۳- به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده در این تحقیق همسو و در راستای اصول ساختار اطلاعاتی در زبان است و این نشان‌دهنده این واقعیت است که ساختار اطلاعاتی قرآن متفاوت از ساختار اطلاعاتی زبان نیست و جز این هم انتظار نمی‌رود. به عبارت روشن‌تر در قرآن دستکاریهای نامتعارف و غیراصولی در زبان در سطح ساختار اطلاعاتی دیده نمی‌شود.

کاربرد نتایج

گرچه این مطالعه اصولاً یک پژوهش نظری است ولی دارای فواید و کاربری‌های زیر می‌تواند باشد.

- ۱- محکی برای نظریه نقش‌گرایی سیستمیک هالیدی است و چنانکه در بخش نتایج مشخص گردیده به‌طور اصولی نظریه را تأیید می‌نماید، ولی برای تطبیق آن با زبانهای VSO (از جمله زبان عربی) باید اصلاح لازم در نظریه به عمل آید.
- ۲- راهنما و کمکی است در تحلیل متون قرآنی و توجه به تأثیرات مبتداسازی و ساختار اطلاعاتی و تأثیرات آن در تفسیر قرآن.
- ۳- پیش‌درآمدی است برای شروع مطالعات در جهت استفاده از یافته‌های زبان‌شناسی جدید در تحلیل و تفسیر قرآن مجید.

پی‌نوشت

- ۱- در واقع براساس این تحلیل آنچه که در دستور سنتی عربی جمله «اسمیه» خوانده شده صورت نشان‌داری است که ژرف‌ساخت بی‌نشان آن یک جمله «فعلیه» بوده است (مثلاً عنصری مانند «یکون» در تقدیر می‌باشد).
- ۲- مثل: افلم یتبروا القول... (مؤمنون، ۶۸).
- ۳- مکتب نحوی کوفه که مکتبی توصیفی است در مقابل مکتب تجویزی بصره قرار دارد. (Carter, 1981:195)
- ۴- منظور از فاعل "agent" یا کنشگر می‌باشد. مثال آن در عربی دو جمله «زید کتب رسالتان» و «کتب زید رسالتان» است.
- ۵- برای اطلاع دقیق از جامعه آماری مورد استفاده در این مقاله رجوع کنید به پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، مصفا جهرمی، دانشگاه اصفهان، ص ۴۷ و ۴۸.
- ۶- بند مستقل، بندی است که دارای وابستگی (نحوی) نباشد و بند وابسته آن است که خود جزئی از ساختار بند دیگر باشد. معادل آن در دستورهای سنتی main clause (جمله پایه) و Subordinate clause (جمله پیرو) می‌باشد (رجوع به ص ۱۰ مقاله).

منابع

- 1- Abdul-Raof, Hussein. (1998). Subject, theme and agent in Modern Standard Arabic, Curzon.
- 2 - Al-Jurjani, A-Q. (1981). Dalail Al-Ijaz. Dar Al-Marfa, Beirut.

- 3 - Bloor, Thomas and Bloor, Meriel.(1997). The functional analysis of English. Great Britain: Arnold.
- 4 - Carter, M.G (ed). (1981). Arabic linguistics, John Benjamin B.V. Amsterdam.
- 5 - Eggins, Suzanne.(1994). An introduction to systemic functional linguistics, London.
- 6 - Fries, P.H.(1995). A personal view of theme, in Ghadessy (ed). *Thematic development in English text*, Pinter: Great Britain.
- 7 - Ghadessy, Mohsen.(1995). Thematic development and its relation to register and genres. In Ghadessy (ed). *Thematic development in English texts*. Pinter: Great Britain.
- 8 - Greenberg, H. (ed).(1963). *Universals of Language*. The M.I.T Press, Cambridge, Massachusetts.
- 9 - Halliday, M.A.K.(1994). *An introduction to functional grammar*. London: Edward Arnold.
- 10 - Halliday, M.A.K.(1985a). *An introduction to functional grammar*. London: Edward Arnold.
- 11 - Halliday, M.A.K.(1985b). *Spoken and written language*, Geelong, Vic: Deakin University Press.
- 12 - Halliday, M.A.K.(1976). Notes on transivity and theme in English. *Journal of Linguistics*. 3:177 - 247.
- 13 - Halliday, M.A.K. and Hasan, R.(1985). *Language, context, and text. Aspects of language in a social-semiotic perspective*. Oxford: OUP.
- 14 - Hawkins, J.A.(1983). *Word order universals*. Academic press. London Ltd.
- 15 - Martin, R.(1995). *English text: System and structure*. Amesterdam: John Benjamins.
- 16 - Matthiessen, C.(1995). Register in the round: diversity in a unified theory of register analysis. In Ghadessy (ed). *Register analysis: theory and peactice*. London: UK.
- 17 - Tomlin, R.S.(1986). *Basic word order*. Croom Helm Ltd.
- 18 - Ventola, E.(1995). Thematic derelopment and translation. In Ghadessy (ed). *Thamatic development in English texts*. London: Pinter.
- 19 - Yaqub, Amil.(1986). *Mawsuat Al-Nahu wal-sarf wal-arab*. Dar Al-lim Lilmalayin, Beirut, Lebanon.